

بررسی نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای آن در یک بافت زنده تاریخی*

پژوهش موردی: بافت تاریخی فهادان یزد

سمیرا عادل^{**}

عضو هیأت علمی گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۴/۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۰/۱۷)

چکیده

تسری مفهوم پایداری در حوزه گردشگری با هدف حفظ کیفیت و خصوصیات جامعه میزبان در عرصه‌های گوناگون از یک سو و بهره‌مندی از منافع گردشگری و برنامه‌ریزی مناسب در این حوزه از سوی دیگر از جمله چالش‌های کنونی در حوزه گردشگری بافت‌های زنده تاریخی به شمار می‌آید. در پژوهش حاضر با تمرکز بر پایداری اجتماعی مقوله گردشگری و پیامدهای آن در بافت زنده تاریخی فهادان یزد از منظر جامعه میزبان با استناد بر رویکردی تحلیلی مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرند. راهبرد تحقیق تلفیقی مشتمل بر روش تحقیق مبتنی بر زمینه، جهت شناسایی پیامدهای گردشگری در منطقه و روش تحقیق پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه با هدف بررسی نگرش جامعه میزبان اساس پژوهش را شامل می‌شود. یافته‌های منتج از سنجش نگرش جامعه میزبان در منطقه فهادان نشان می‌دهد، از بعد اجتماعی گردشگری در وضعیت پایداری قرار دارد. وابستگی منطقه به گردشگری، پیش‌بینی بهبود شرایط محله به ویژه در عرصه امنیتی و محیطی، میزان آگاهی و حساسیت افراد نسبت به مسائل فرهنگی و هویتی از جمله عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی افراد نسبت به گردشگری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

تأثیرات گردشگری، ظرفیت تحمل گردشگری، نگرش جامعه میزبان، تئوری مبادله اجتماعی، نظریه انگیزه‌های انسانی، بافت تاریخی فهادان.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی (ای) با عنوان "بررسی نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای متأثر از آن؛ پژوهش موردی بافت تاریخی گردشگری فهادان یزد" می‌باشد که در فروردین ماه ۱۳۹۱ به تصویب دانشگاه شهید باهنر کرمان رسیده است.
^{**}تلفن: ۰۹۱۳۳۴۱۲۹۱۴، نمابر: ۸۲۶۱۹۲۹ - ۰۳۵۱، E-mail: sa_adeli@uk.ac.ir

مقدمه

چگونه است؟

ب. پیامدهای منتج از گردشگری در بافت زنده تاریخی کدامند؟
ج. قضاوت و ارزیابی جامعه میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای شناسایی شده چگونه است؟
د. آیا میان ارزیابی و قضاوت جامعه میزبان از گردشگری و مجموعه پیامدهای متأثر از آن رابطه ای وجود دارد؟
ه. آیا با توجه به نوع رابطه و وابستگی گروه های مختلف در جامعه میزبان نسبت به گردشگری تفاوت معنی داری در نوع نگرش آنان به گردشگری و پیامدهای متأثر از آن مشاهده می شود؟
و. جامعه میزبان کدام دسته از پیامدهای منفی گردشگری را بیش از دیگران درک و در اولویت قرار می دهد؟
ز. ارزش گذاری پیامدهای منفی شناسایی شده بر چه مبنایی صورت گرفته است؟

با استناد بر رویکرد تحلیلی پژوهش و با توجه به ماهیت سؤالات مطرح شده (به طور مشخص سؤال «د»، «ه» و «ز») نتایج به دست آمده از مورد پژوهش با تئوری ها و چارچوب های تحلیلی انتخابی مقایسه و توانایی نظریه های پیشنهادی در توجیه نتایج به دست آمده مورد بررسی قرار می گیرد. در بررسی رابطه احتمالی میان نگرش و ارزیابی جامعه میزبان از گردشگری و مجموعه پیامدهای متأثر از آن، تئوری مبادله اجتماعی اساس تحلیل های صورت گرفته را شامل می شود. تئوری انگیزه های انسانی مازلو نیز به عنوان چارچوب تحلیلی پژوهش به منظور بررسی چگونگی و دلایل ارزش گذاری پیامدهای نامطلوب گردشگری انتخاب شده است. بر این اساس و با توجه به ماهیت سؤالات پژوهش می توان دو فرضیه ذیل را جهت آزمون در این پژوهش مطرح ساخت.
ا. به نظر می رسد با توجه به تئوری مبادله اجتماعی میان نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و ارزیابی آنان از مجموعه پیامدهای مثبت و منفی متأثر از آن ارتباط مستقیمی وجود دارد.
ب. محتمل است ارزش گذاری آسیب ها و پیامدهای منفی شناسایی شده در منطقه مورد مطالعه توسط ساکنین محلی بر اساس میزان اختلال ایجاد شده در تأمین سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو باشد.

از جمله یکی از بهترین نمونه های مبتلابه جهت بررسی، بافت تاریخی شهر یزد می باشد. محدوده انتخابی، محله مسکونی فهادان، واقع در بافت مذکور است که از یک سوی ویژگی ها و خصوصیات منحصر به فرد کالبدی و جاذبه های تاریخی اش آن را در شمار یکی از مطرح ترین جاذبه های گردشگری فرهنگی در کشور قرار داده و از سوی دیگر در دوران معاصر جایگاه خود را به عنوان بستری جهت سکونت و زندگی ساکنین خود حفظ کرده است.

آشنایی با فرهنگ های گوناگون به ویژه فرهنگ گذشتگان و نمودهای کالبدی آن در قالب میراث فرهنگی، ابنیه و بافت های تاریخی، انگیزه ای اساسی در حوزه گردشگری به شمار می آید و این امر گردشگری را به صنعتی پررونق در حوزه ابنیه و بافت های تاریخی بدل کرده است (Chen & Chen, 2010). طی چندین دهه، منافع فزاینده اقتصادی (Eccles and Costa, 1996) موجب گردید تا مشکلات، معضلات و آسیب هایی که این جریان بر جامعه میزبان و شاکله میراث فرهنگی وارد می آورد، مورد غفلت و کم توجهی واقع شود. لیکن با گذشت زمان از دهه ۱۹۸۰، یافته ها و گزارش های تحقیقی متعدد، پیامدهای مختلف زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی نامطلوب گردشگری را مورد تأیید قرار داده اند. این جریان موجب به چالش کشیده شدن رویکردهای پیشین به گردشگری در دهه ۱۹۹۰ و شکل گیری مفهوم توسعه پایدار در عرصه گردشگری گردید. دستیابی به مفهوم گردشگری پایدار در جامعه میزبان، مستلزم تسری مفهوم پایداری در ابعاد گوناگون اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی خواهد بود (Isaksson & Garvare, 2003). در این میان، پایداری اجتماعی به مفهوم قضاوت مثبت و رضایتمندی جامعه میزبان از حضور گردشگران در محیط سکونت خود و توسعه گردشگری، عاملی بنیادین در تبیین تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های برنامه ریزان، کارشناسان و متصدیان عرصه گردشگری به شمار می آید؛ چرا که موفقیت و پایداری هر نوع توسعه ای در گرو حمایت فعال جمعیت محلی از آن می باشد (Jackson, 2006). از سوی دیگر، نارضایتی و مخالفت ساکنین محلی با توسعه گردشگری، در نهایت به توقف و بعضاً حذف کامل گردشگری در جامعه میزبان خواهد انجامید (Gursoy, Dogan, 2004, 495). به منظور دستیابی به شاخصی جهت تعیین پایداری اجتماعی مفهوم ظرفیت تحمل اجتماعی شکل گرفت. بر این مبنای بعد اجتماعی ظرفیت تحمل زمانی به آستانه خود می رسد که ساکنین محلی به سبب پیامدهای نامطلوب گردشگری تمایلی به حضور گردشگران در محیط سکونت خود نشان نمی دهند (Martin and Uysal, 1990, 329). ظرفیت تحمل گردشگری در بعد اجتماعی از روش های گوناگون از جمله سنجش نگرش ساکنین محلی نسبت به گردشگری و پیامدهای آن قابل ارزیابی است (O'Reilly, 1986, 254; Lawson et al., 1998, 247; H. Akkawi, 2010, 21).
در این راستا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی ظرفیت تحمل اجتماعی گردشگری در قالب رویکردی تحلیلی جهت شناسایی برخی عوامل مؤثر بر نوع نگرش و ارزیابی جامعه میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای متأثر از آن شکل گرفته است و در تلاش به منظور پاسخگویی به سؤالات ذیل می باشد:
ا. وضعیت فعلی ظرفیت تحمل گردشگری در جامعه میزبان

روش تحقیق

گردشگری در منطقه مورد مطالعه و راهبرد تحقیق پیمایشی به منظور سنجش نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای متأثر از آن استفاده شده است. پیامدهای گردشگری بر اساس مشاهدات میدانی محقق در بافت تاریخی فهادان

در پژوهش حاضر از راهبرد تحقیق تلفیقی بهره گرفته شده است. روش تحقیق مبتنی بر زمینه^۱ جهت شناسایی پیامدهای

و تنوع ادراکی آنان) و خارجی (ویژگی‌ها و خصوصیات مکان گردشگری) تأثیرگذار بر نوع قضاوت جامعه میزبان از گردشگری پرداخته‌اند، لیکن بررسی مجموعه عوامل داخلی به ویژه در چارچوب تحلیلی مقاله بر پایه تئوری مبادله اجتماعی تنها شمار اندکی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است (Ap, 1990; Lindberg & Johnson, 1997; Perdue et al, 1990; Yoon, 1998; Gursoy et al, 2002; Andereck et al, 2005; McGehee and Andereck, 2004). پژوهش‌های مذکور نیز عمدتاً بر مبنای سنجش چگونگی ارزیابی ساکنین از هزینه‌ها و منافع گردشگری شکل گرفته‌اند و شمار زیادی از تحقیقات صورت گرفته به بررسی منافع و هزینه‌های اقتصادی پرداخته و ابعاد اجتماعی-فرهنگی و محیطی که مورد تأکید پژوهش حاضر می‌باشد، در این میان مورد کم توجهی قرار گرفته است. شناسایی اولویت‌های جامعه میزبان نسبت به پیامدهای منفی گردشگری و تلاش در جهت تحلیل چنین ارزش‌گذاری (ای) بر اساس چارچوب‌های موجود، به طور مشخص تئوری سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو عرصه‌ای از پژوهش را شامل می‌شود که با استناد به بررسی‌های محقق، تاکنون بدان پرداخته نشده است. سابقه پژوهش‌های کاربردی با محوریت گردشگری در کشورمان نیز تنها به چند سال اخیر بازمی‌گردد و این امر نشان از نوپا بودن و محدود بودن این پژوهش‌ها در کشور دارد. از جمله مطالعات منتشر شده می‌توان به بررسی ظرفیت تحمل گردشگری در کلاردشت (رهنمایی و دیگران، ۱۳۸۷) اشاره داشت که با استناد بر یافته‌های دیگر پژوهش‌ها در مناطق مختلف جهان پیامدهای گردشگری را مطرح و صرفاً رابطه نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای مذکور را در چارچوب تئوری مبادله اجتماعی بررسی کرده است.

چارچوب‌های نظری پژوهش

دستیابی به توسعه پایدار در هر عرصه و زمینه‌ای، نیازمند برنامه ریزی و مدیریت یکپارچه و منسجم در ابعاد گوناگون زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی آن عرصه می‌باشد (firoy, 1960; Lawson et al, 1998). بر این مبنای، در حوزه گردشگری، به منظور تعیین شاخص‌هایی جهت ارزیابی سطح پایداری در حوزه‌های سه گانه مذکور از مفهوم ظرفیت تحمل گردشگری استفاده شد. ظرفیت تحمل گردشگری، در راستای رویکرد توسعه پایدار و به منظور تعیین محدودیت‌هایی با هدف کاهش و یا حذف پیامدهای نامطلوب منتج از حضور گردشگران شکل گرفت که در ابعاد گوناگون فیزیکی، زیست محیطی، روان شناختی و اجتماعی قابل دسته بندی و مطالعه می‌باشد (O'Brien, 2007, 14). در حوزه پایداری اجتماعی، مفهوم ظرفیت تحمل اجتماعی مطرح گردید. بنابر تعریف (O'Reilly, 1986)، ظرفیت تحمل اجتماعی، یک مقصد گردشگری ظرفیت و توانایی آن مکان در جذب گردشگر می‌باشد پیش از آنکه پیامدها و تأثیرات منفی این حضور توسط

گردآوری شده است. کدگذاری پیامدهای شناسایی شده با توجه به حوزه تأثیرگذاری آن پیامد در عرصه‌های سه گانه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیطی، و چگونگی این تأثیرگذاری از باب مطلوب و یا نامطلوب بودن آن به انجام رسیده است. همچنین از روش مقایسه موارد مشابه^۲ با هدف اطمینان از صحت شناسایی دامنه تأثیرگذاری‌های گردشگری بهره گرفته شده است. از آن جمله می‌توان به بررسی حدود ۳۰ پژوهش انجام شده به منظور شناسایی پیامدهای گردشگری در مناطق مختلف جهان، بررسی شاخص ۲۸ مؤلفه‌ای (Lankford & Howard, 1994) و شاخص ۳۵ مؤلفه‌ای (Ap & Crompton, 1998) اشاره داشت. سنجش نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای متأثر از آن از طریق پرسشنامه صورت گرفته است. سؤالات پرسشنامه شامل مجموعه‌ای از سؤالات بسته است که حاوی اطلاعاتی از ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت شناختی افراد (سن، جنسیت، شغل، تحصیلات، سابقه سکونت و ...)، ارزیابی آنان از گردشگری و توسعه آن و پیامدهای مطلوب و نامطلوب منتج از حضور گردشگران در محله فهادان می‌باشد. در طرح سؤالات از انواع مقیاس‌های اندازه گیری فاصله‌ای در قالب طیف ۵ ارزشی لیکرت^۳ و طیف آرگود (طیف دو قطبی) و در پاره‌ای موارد از مقیاس ترتیبی استفاده شده است. تحلیل اطلاعات جمع آوری شده، توسط نرم افزار تحلیل داده‌های آماری SPSS انجام گرفته است. به منظور کنترل برخی عوامل مداخله‌گر و با توجه به فصلی بودن گردشگری در منطقه مورد مطالعه پرسشنامه‌ها در زمان اوج حضور گردشگران در ایام تعطیلات نوروزی سال ۱۳۸۹ توزیع شده‌اند. جامعه آماری پژوهش به سه دسته ساکنین محلی، کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه میراث فرهنگی و کسبه محلی تفکیک شده است. جامعه آماری ساکنین محلی را ساکنین بومی ۱۹ سال به بالا که سابقه سکونت بیش از ده سال را در نزدیکترین فاصله از حوزه گردشگری دارند شامل می‌شود. از روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده با حجم نمونه ۲۳۶ نفر بهره گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

بررسی نگرش جامعه میزبان در راستای مطالعه پایداری اجتماعی گردشگری عرصه‌ای نوپا را در میان پژوهش‌های انجام شده با رویکرد توسعه پایدار گردشگری در ابعاد سه گانه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی-فرهنگی شامل می‌شود. در این بین شمار غالب پژوهش‌ها صرفاً با رویکردی توصیفی به شناسایی نگرش و ارزیابی جامعه میزبان نسبت به گردشگری پرداخته (Andriotis & Vaughan, 2003) و با اتکاء به تکنیک‌های آماری مختلف شکل گرفته‌اند و چرایی و چگونگی این واکنش مورد غفلت و کم توجهی قرار گرفته است (Ap, 1992, 666). هرچند در دو دهه اخیر، مطالعاتی با رویکرد تحلیلی به بررسی مجموعه عوامل داخلی (طبیعت افراد

مطلوب) حاصل از حضور گردشگران را بیش از هزینه‌ها و پیامدهای نامطلوب پرداختی برآورد کنند، به مشارکت و همیاری در آن رابطه و پشتیبانی و حمایت از توسعه آن گرایش و تمایل نشان خواهند داد (Andereck and vogt 2000, Juroski et al, 1997; Ap 1992, Perdue et al, 1987; Allen, Hafer, Long and Perdue, 1993). با استناد به تئوری مبادله اجتماعی، رویکرد طبقه بندی قابل طرح و پی ریزی است. براساس رویکرد رده بندی، نگرش ساکنین محلی نسبت به گردشگری متأثر از میزان و نوع مشارکت، درگیری و ارتباط آنان با صنعت گردشگری می باشد (F. Mc Cool, Moisey, 2001). برای مینا، در میان گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه محلی، آن دسته از ساکنینی که به گونه‌ای به صنعت گردشگری وابسته بوده و یا منافع شخصی بیشتری را از حضور گردشگران در سطح جامعه دریافت می‌کنند، نسبت به ساکنینی که چنین احساسی از کسب سود و منفعت از جانب گردشگری ندارند، دارای نگرش مثبت تری نسبت به گردشگری بوده و از حضور گردشگران در محل سکونت خود بیشترین حمایت را دارند (Jurowski et al, 1997; Lankford and Howard, 1994; Liu and Var, 1986; Mcgehee and Andereck, 2004; Perdue et al 1990; Haralambopoulos and Pizam, 1996).

در خصوص چگونگی ارزش گذاری پیامدهای نامطلوب گردشگری از جانب جامعه میزبان، به نظر می‌رسد افراد پیامدهای نامطلوب منتج از حضور گردشگران را با توجه به میزان و اهمیت احتمالی که این پیامدها در جریان سکونت آنان ایجاد کرده اند، مورد توجه قرار می‌دهند. در نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو که در سال ۱۹۵۴ توسط ابراهام مازلو مطرح گردید، دامنه‌ای از نیازهای انسانی وجود دارد که سکونت مطلوب و موفقیت انسان مستلزم برآورده شدن این مجموعه نیازها می باشد. برای مینا، ناتوانی و یا تأخیر در برآوردن چنین نیازهایی و یا اختلال در روند تأمین آنها می تواند نارضایتی، نارسایی و یا واکنش بحرانی را در فرد ایجاد کند (شولتز، ۱۳۸۹، ۳۶۳؛ Beeton, 2006). مازلو این مجموعه نیازها را به صورت سلسله مراتبی در قالب هرم نیازمندی‌های انسانی مطرح کرده است؛ به گونه‌ای که نیازهای انسانی به ترتیب اولویت از پایین به بالا در این هرم قرار دارند. نیازهای مذکور با توجه به سلسله مراتب اهمیت و اولویت آن عبارت از: الف) نیازهای فیزیولوژیکی شامل غذا، آب، هوا، پناهگاه، ... ب) نیازهای ایمنی شامل امنیت، نظم و ثبات ج) نیاز به تعلق داشتن و عشق د) نیاز به احترام از جانب خود و دیگران ه) نیاز به خودکوفایی می باشد (شولتز، ۱۳۸۹، ۳۶۱). لذا پیش بینی می شود افراد پیامدهای نامطلوب حوزه گردشگری را با توجه به نوع احتمالی که این پیامدها در روند رفع نیازهای آنان ایجاد میکنند، مورد ارزیابی قرار می‌دهند. بدین معنا که پیامدهایی که احتمالی در تأمین نیازهایی که از نظر سلسله مراتب پایین-تر قرار دارند، ایجاد می‌کنند نارضایتی، رنجش و بعضاً واکنش شدیدتری را از سوی ساکنین و جامعه میزبان به همراه دارند.

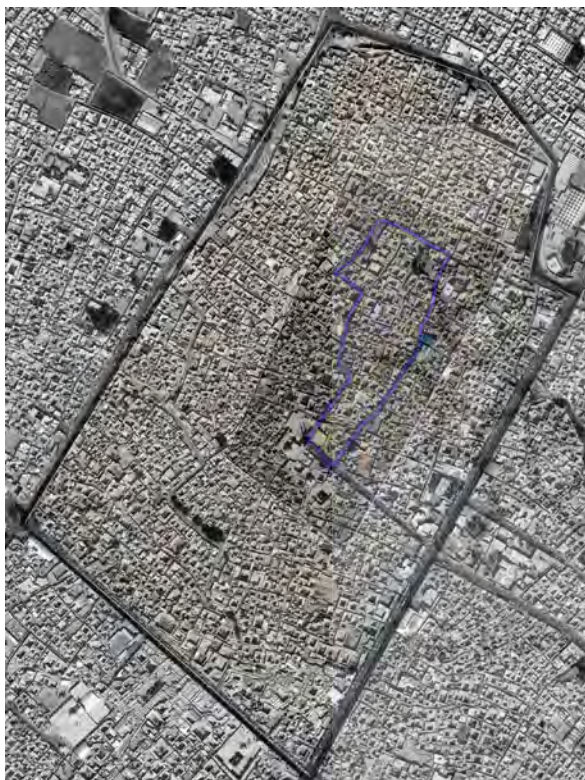
ساکنین محلی آن جامعه احساس شود و آنان دیگر تمایلی به حضور گردشگران نشان ندهند. از دهه ۱۹۷۰، شاخص ترین و کاربردی ترین روش ارزیابی ظرفیت تحمل اجتماعی گردشگری سنجش نگرش ساکنین محلی نسبت به گردشگری و پیامدهای آن در سطح جامعه میزبان به شمار می‌آید، (O`Reilly, 1986, 254; Lawson et al, 1998, 247; H. Akkawi, 2010, 21). نوعی ارزیابی و تصور ذهنی است (Allport, 1960, 24)؛ گرایشی دیرپا نسبت به جنبه یا نمودی خاص از زیست بوم از جانب افراد است که متأثر از عواملی همچون طرز تفکر، احساسات و چگونگی برخورد و مواجهه فرد با آن، می باشد (McDougall & Munro 1987, 87; Carmichael, 2000, 603). معتقدند که مهم ترین ویژگی نگرش ساکنین آن است که آنچه توسط آنان ادراک می شود لزوماً با واقعیت موجود هماهنگ نیست (Andriotis and Voughan, 2003, 173)؛ در واقع ادراک آنان از واقعیت و نه خود واقعیت است که بر روی نگرش و به تبع آن، طرز رفتار ساکنین تأثیر می‌گذارد. بسیاری از محققین بر این باورند که نگرش ساکنین نسبت به گردشگری، تنها با زتاب ادراک آنان از پیامدهای گردشگری نیست؛ بلکه چنین نگرشی در تعامل میان ادراک ساکنین و مجموعه عوامل تأثیرگذار بر نگرش آنان شکل می‌گیرد (Lankford et al, 1994). در زمینه درک و شناخت واکنش و نگرش افراد نسبت به گردشگری چندین روش و چارچوب مطرح شده و الگوها و تئوری‌های گوناگونی در حوزه‌های توصیفی و تحلیلی به بحث در این زمینه پرداخته‌اند (Beeton, 2006, 26). از جمله چارچوب‌های تحلیلی که به معرفی و تبیین شاخص‌هایی در راستای تشریح و تحلیل رابطه میان نگرش ساکنین نسبت به گردشگری و پیامدهای متأثر از آن می‌پردازد، تئوری مبادله اجتماعی است (Ap, 1992; Perdue et al, 1990; Mc Gehee and Andereck 2004). شالوده فکری تئوری مبادله اجتماعی، با استناد بر تئوری روان‌شناسی رفتاری و تئوری اقتصادی اصلت سودمندی بنا شده است (kim, 2002, 12). بنا بر نظریه مذکور، روابط میان انسانها براساس تعامل میان دو مفهوم "هزینه" و "منفعت" شکل می‌گیرد. بدین معنی که افراد پس از ارزیابی سود و هزینه‌های یک مبادله تصمیم به مشارکت و یا عدم مشارکت در آن مبادله می‌گیرند. برای مینا در حوزه گردشگری ساکنین گردشگری را با توجه به مبادلات صورت گرفته ارزیابی می‌کنند (Ap, 1992) و قضاوت جامعه محلی نسبت به گردشگری تحت تأثیر قضاوت و ارزیابی آنان از منافع و هزینه‌هایی است که در قبال خدماتی که آن جامعه به گردشگران ارائه می‌کند، دریافت می‌گردد (Ap, 1990, 670). در این راستا، پیامدهای گردشگری در دو بعد پیامدهای مطلوب (منفعت) و پیامدهای نامطلوب (هزینه) قابل دسته بندی می‌باشند (Gursoy et al, 2002). لذا چنانچه پیامدهای مطلوب و منفعتی که ساکنین دریافت می‌کنند از نظر آنان رضایت بخش باشد هر چند این منافع در یک رابطه غیرمتعادل و نابرابر کسب شود، نگرش آنان به گردشگری مثبت خواهد بود و تا زمانی که ساکنین، منافع (پیامدهای

نگرش جامعه میزبان نسبت به پیامدهای متاثر از گردشگری

یافته‌های حاصل از پژوهش، بیانگر آن است که از منظر جامعه محلی، گردشگری در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیطی مسبب و زمینه ساز تأثیرات مثبت و منفی متفاوتی در منطقه بوده است.

الف. پیامدهای اقتصادی

با توجه به نتایج به دست آمده، به نظر می‌رسد جامعه میزبان پیامدهای مثبت گردشگری در بعد اقتصادی را نسبت به پیامدهای نامطلوب آن در این حوزه بیشتر مورد تأکید قرار

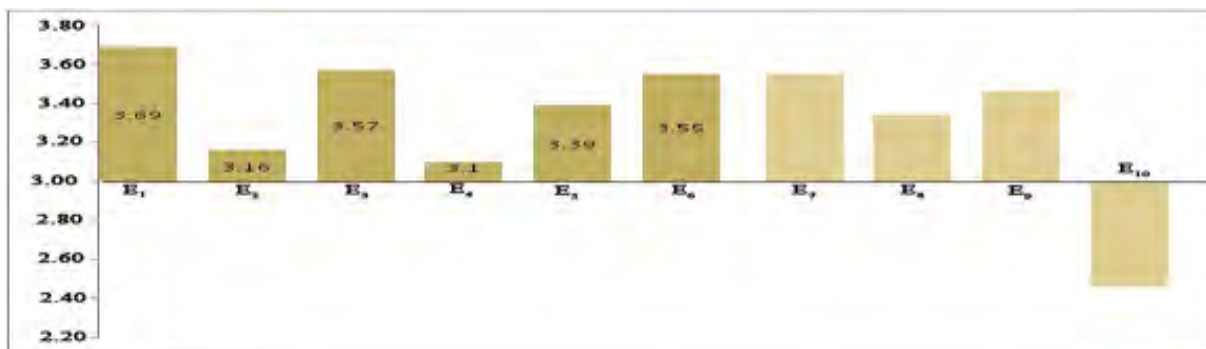


نقشه ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه در مجاورت محور فرهنگی گردشگری تا سه بلوک مسکونی فاصله از آن واقع در محله فهادان. محور فرهنگی- گردشگری

بر این مبنای می‌توان پیامدهای نامطلوب گردشگری را براساس سلسله مراتب ذیل در اولویت اهمیت قرار داد. الف) اختلال در تأمین مایحتاج روزانه و آشفتگی در تأمین مسکن، ب) برهم زدن حس امنیت، نظم، ثبات و آرامش محل سکونت، ج) برهم زدن حریمیت و عرصه خصوصی ساکنین، د) از بین بردن و خدشه وارد کردن بر حس تعلق افراد نسبت به زیست بوم محل سکونت خود، ه) خدشه دار شدن هویت شخصی، فرهنگی و اجتماعی افراد و جامعه. ارزیابی ارزش گذاری جامعه میزبان نسبت به پیامدهای نامطلوب گردشگری بیانگر توانایی و یا عدم کارایی نظریه مذکور در جامعه مورد مطالعه خواهد بود.

معرفی محدوده مورد مطالعه

بافت تاریخی شهر یزد بزرگترین بافت خشتی تاریخی در جهان است که وجود آثار و ابنیه غنی فرهنگی و تاریخی، شهر یزد و بافت مذکور را مقصد مهم گردشگری قرار داده است (مکیان، ۱۳۸۲، ۲۰۴). زمان شکل‌گیری گردشگری انبوه در این بافت را می‌توان به سال ۱۳۷۰ دانست. جریان داشتن زندگی در بافت تاریخی موجب شده بافت مذکور نمونه مبتلا به مناسی از تعامل میان گردشگران و جامعه میزبان به شمار آید. در میان محلات هفت گانه در بافت تاریخی، محله فهادان با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد آن انتخاب شده است. وجود ابنیه و گذرهای با ارزش تاریخی محله مذکور را از بعد جاذبه‌های گردشگری نسبت به دیگر محلات غنی ساخته است. از سوی دیگر محور فرهنگی- گردشگری به دلیل دربرگرفتن سرمایه‌های میراث در این محله قرار دارد. محله مذکور در وضعیت کنونی بین خیابان‌های امام خمینی، قیام و سید گل سرخ و خیابان فهادان شمالی محصور گشته است. با توجه به تأیید اهمیت بعد مسافت محل سکونت ساکنین از مراکز گردشگری در چگونگی ارزیابی آنان از گردشگری (Sheldon & Var, 1984) به منظور تحدید این عامل منطقه مورد مطالعه در نزدیکترین فاصله از مراکز حضور گردشگران در بافت در نظر گرفته شده است. این منطقه در مجاورت محور فرهنگی- گردشگری تا سه بلوک مسکونی فاصله از آن تعیین شده است (نقشه ۱).



نمودار ۱- وضعیت ارزیابی پیامدهای اقتصادی گردشگری در بافت تاریخی فهادان. پیامدهایی که پایین‌تر از خط نرمال (میانگین ۳) قرار دارند وضعیت نامطلوب (منفی) دارند.

نوسان درآمد ($x=2/54$) و افزایش قیمت زمین ($x=2/45$) در محله فهادان چندان مؤثر نمی باشد ($x < 3$) (جدول ۱).

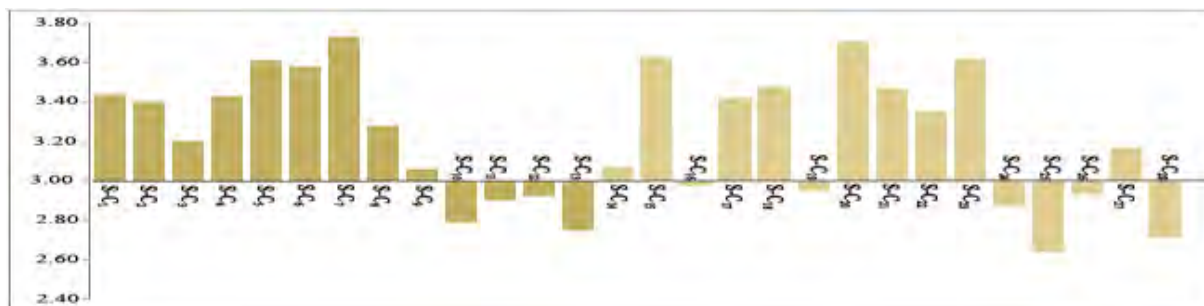
ب. پیامدهای اجتماعی-فرهنگی

از دیدگاه جامعه میزبان در عرصه اجتماعی-فرهنگی نیز گردشگری پیامدهای مطلوب و نامطلوبی را در محله فهادان برجای گذارده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، جامعه میزبان بر پیامدهای مطلوب اجتماعی-فرهنگی گردشگری نسبت به پیامدهای نامطلوب و منفی آن در این عرصه تأکید بیشتری دارد (نمودار ۲). بر این مبنای، از جمله اثرات مثبت گردشگری می‌توان به تقویت حس مهمان‌نوازی ($x=3/73$) و ایجاد شادابی و سرزندگی در محله ($x=3/61$) اشاره داشت. همچنین به نظر می‌رسد حضور گردشگران در محله فهادان موجب زنده نگه داشتن و ارتقاء فرهنگ محلی ($x=3/58$) بوده و بستر مناسبی جهت تبادل فرهنگی مثبت ساکنین محلی با بازدیدکنندگان ($x=3/44$) فراهم آورده است. تقویت حس همبستگی ($x=3/43$) و ارتقای سطح امنیت عمومی در محله ($x=3/40$)، تقویت حس تعلق خاطر و دلبستگی بیشتر ساکنین محلی به محیط سکونت خود ($x=3/28$)، ارتقای سطح آسایش عمومی ($x=3/26$) و توسعه

داده است (نمودار ۱). گردشگران فرهنگی با علائق و تقاضای خاص خود موجب شکل‌گیری و رشد مشاغل متنوعی از جمله فعالیت‌های تولید صنایع دستی و رونق گرفتن بخش‌های خدماتی-تجاری شده‌اند. بر این اساس، مهم‌ترین پیامد مطلوب درک شده گردشگری در محله فهادان توسط جامعه میزبان، افزایش فرصت‌های شغلی جدید با میانگین $x=3/69$ می‌باشد. از جمله دیگر پیامدهای مثبت اقتصادی شناسایی شده می‌توان به ورود سرمایه به بافت ($x=3/57$)، احیای پیشه‌های سنتی ($x=3/56$)، متنوع سازی مشاغل ($x=3/39$) اشاره داشت. افزایش درآمد ساکنین ($x=3/16$) و سازمان‌های دولتی ($x=3/10$) نیز از جمله پیامدهای مثبت گردشگری در حوزه اقتصاد به شمار می‌روند؛ هرچند از دیدگاه جامعه میزبان تأثیرگذاری گردشگری بر پیامدهای مذکور در برزن فهادان نسبت به دیگر پیامدهای ذکر شده در پایین‌ترین میزان خود قرار دارد. گردشگری پیامدهای نامطلوب اقتصادی را نیز در پی داشته است. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به ورود افراد سود جو و ایجاد مشاغل کاذب ($x=3/54$) اشاره کرد. از سوی دیگر، یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که نقش گردشگری در بروز پیامدهایی همچون افزایش هزینه زندگی ($x=2/66$)،

جدول ۱- ارزیابی جامعه میزبان نسبت به پیامدهای اقتصادی گردشگری در بافت تاریخی فهادان.

پیامدهای اقتصادی متأثر از گردشگری	میانگین ساکنین محلی	میانگین کسبه محلی	میانگین کارشناسان	میانگین جمعیت کل
E ₁ افزایش فرصت‌های شغلی جدید	3/65	3/5	4/2	3/69
E ₂ افزایش درآمد ساکنین	3/15	2/5	3/7	3/16
E ₃ ورود سرمایه به بافت	3/56	3/57	3/7	3/57
E ₄ افزایش درآمد سازمان‌های دولتی	3/14	3/5	2/4	3/10
E ₅ متنوع سازی مشاغل	3/41	2/85	3/6	3/39
E ₆ احیاء پیشه‌های سنتی	3/54	3/57	3/55	3/55
E ₇ افزایش قیمت زمین	2/42	1/85	3/15	2/45
E ₈ افزایش هزینه زندگی	2/70	2/42	2/45	2/66
E ₉ نوسان درآمد	2/56	2/35	2/45	2/54
E ₁₀ ورود افراد سود جو و ایجاد مشاغل کاذب	3/56	4/07	3/05	3/54



نمودار ۲- وضعیت ارزیابی پیامدهای اجتماعی-فرهنگی گردشگری در بافت تاریخی فهادان. پیامدهایی که پایین‌ترین تراز خط نرمال (میانگین ۳) قرار دارند وضعیت نامطلوب (منفی) دارند. پیامدهای مطلوب اجتماعی-فرهنگی گردشگری

فهادان تهدید می‌کند؛ از این روی به نظر می‌رسد تلاش در جهت زنده نگه داشتن و رواج فرهنگ و آداب و رسوم سنتی تنها در سطوح ظاهری و سطحی متوقف مانده و بیشتر مخاطبین آن را گردشگران شامل می‌شوند. پیروی و الگوبرداری ساکنین محلی به ویژه جوانان از رفتار و منش گردشگران و بازدیدکنندگان ($x=3/05$) از جمله دیگر تأثیرات منفی گردشگری در بعد اجتماعی-فرهنگی می‌باشد که کنار زدن و حتی تحقیر بسیاری از ارزش‌های سنتی حاکم بر جامعه میزبان پیامد آن محسوب می‌شود. همچنین تغییر الگوی جمعیتی در منطقه فهادان ($x=3/07$) به واسطه مهاجرت جمعیت بومی از محله، در نتیجه حضور گردشگران در محیط سکونت آنان از دیگر پیامدهای نامطلوب گردشگری در این عرصه به شمار می‌آید. با توجه به تعیین مسیر حرکت بازدیدکنندگان در قالب معبر فرهنگی گردشگری، گردشگری در تضعیف سلسه مراتب و عرصه بندی‌های موجود در بافت تاریخی ($x=2/93$)، ایجاد شلوغی و ازدحام، بروز حس بیگانگی ($x=2/52$)، ایجاد ناراحتی و احساس عدم آرامش ($x=2/38$) و کاهش کیفیت زندگی ساکنین محلی ($x=2/29$) نقش چندانی نداشته است ($x<3$) (جدول ۲).

ج. پیامدهای محیطی

پیامدهای محیطی از دیدگاه جامعه میزبان در دو بعد پیامدهای مطلوب و نامطلوب قابل بررسی می‌باشد. توجه به بافت و ابنیه تاریخی از طریق انجام اقدامات حفاظتی، مرمت، احیا و نگهداری از این سرمایه‌های تاریخی-گردشگری

امکانات تفریحی بیشتر برای جامعه محلی ($x=3/06$) از جمله دیگر تأثیرات مطلوب گردشگری می‌باشد. در این میان از دیدگاه جامعه میزبان علی‌رغم تأثیرگذاری مثبت گردشگری در توسعه امکانات تفریحی، عملکرد گردشگری در توسعه امکانات و بخش‌های خدماتی تأمین کننده نیازهای ساکنین محلی ($x=2/70$) چندان مؤثر نبوده است. همچنین نقش گردشگری در افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی ($x=2/90$)، شکل دهی تجربه ارزشمند برای ساکنین محلی ($x=2/92$) و ارتقای سطح کیفیت زندگی جامعه میزبان ($x=2/75$) ضعیف ارزیابی شده است ($x<3$). جامعه آماری بر وجود برخی پیامدهای نامطلوب در این عرصه نیز صحت گذارده است. در این زمینه از جمله پیامدهای منفی گردشگری، اولویت داشتن گردشگری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه ریزی‌های متولیان و کارشناسان می‌باشد ($3x=3/36$). به نظر می‌رسد چنین نگرشی نشأت گرفته از اهتمام متولیان امر و صرف سرمایه در توسعه امکانات خدماتی-تفریحی برای گردشگران و توجه به بافت و ابنیه تاریخی به عنوان یک جاذبه گردشگری است. حال آنکه خواسته‌ها و نیازمندی‌های ساکنین محلی کماکان از سوی مسئولین بدون رسیدگی باقی مانده است. از سوی دیگر، علی‌رغم تأیید برخی تبادلات مثبت فرهنگی میان ساکنین محلی و گردشگران و تأکید جامعه میزبان بر زنده نگه داشتن فرهنگ و آداب و رسوم سنتی، نگاه موزه‌ای گردشگران به زندگی ساکنین در بافت تاریخی ($x=3/29$) و نمایشی شدن آداب و رسوم سنتی ($x=3/13$) از جمله آسیب‌هایی است که عرصه فرهنگ را در محله

جدول ۲- ارزیابی جامعه میزبان نسبت به پیامدهای اجتماعی-فرهنگی گردشگری در بافت تاریخی فهادان.

پيامدهای اجتماعی-فرهنگی متأثر از گردشگری	میانگین ساکنین محلی	میانگین کسبه محلی	میانگین کارشناسان	میانگین جمعیت کل
S-C ₁ تبادل فرهنگی مثبت با گردشگران	3/44	3/57	3/40	3/44
S-C ₂ ایجاد یا افزایش امنیت	3/38	3/50	3/50	3/40
S-C ₃ ایجاد یا افزایش آسایش	3/17	3/57	3/25	3/20
S-C ₄ ایجاد یا افزایش حس همبستگی	3/43	3/07	3/66	3/43
S-C ₅ ایجاد یا افزایش شادابی و سرزندگی	3/59	3/50	3/85	3/61
S-C ₆ زنده نگه داشتن و ارتقاء فرهنگ محلی	3/61	3/42	3/40	3/58
S-C ₇ ایجاد یا افزایش حس مهمان نوازی	3/75	3/57	3/66	3/73
S-C ₈ ایجاد یا افزایش حس تعلق و دلبستگی	3/30	2/78	3/45	3/28
S-C ₉ توسعه امکانات تفریحی بهتر و بیشتر برای جامعه محلی	3/02	2/85	3/60	3/06
S-C ₁₀ توسعه امکانات خدماتی بهتر و بیشتر برای جامعه محلی	2/75	2/64	3/30	2/79
S-C ₁₁ افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی	2/92	2/21	3/25	2/90
S-C ₁₂ شکل دهی یک تجربه ارزشمند ارتباط با گردشگران	2/92	2/28	3/35	2/92
S-C ₁₃ بهبود کیفیت زندگی ساکنین	2/75	2/50	3/00	2/75
S-C ₁₄ کم رنگ شدن عرصه زندگی خصوصی ساکنین	2/95	3/00	2/70	2/93

۲/۳۷	۱/۹۰	۲/۶۴	۲/۴۰	ایجاد یا افزایش ناامنی	S-C ₁₅
۳/۰۳	۲/۸۵	۳/۳۵	۳/۰۲	برانگیختن حس منفعت طلبی و سودجویی	S-C ₁₆
۲/۵۸	۲/۳۵	۲/۷۱	۲/۵۹	افزایش مهاجرت (مهاجر فرستی)	S-C ₁₇
۲/۵۲	۲/۳۵	۲/۵۷	۲/۵۳	افزایش یا ایجاد حس بیگانگی	S-C ₁₈
۳/۰۵	۲/۵۵	۳/۴۲	۳/۰۸	ایجاد الگوهای نامناسب رفتاری به ویژه در میان جوانان	S-C ₁₉
۲/۲۹	۲/۰۰	۲/۲۸	۲/۳۲	کاهش کیفیت زندگی	S-C ₂₀
۲/۵۳	۲/۱۰	۲/۳۵	۲/۵۸	ایجاد مشکلات فرهنگی	S-C ₂₁
۲/۶۵	۲/۷۵	۲/۳۵	۲/۶۶	استفاده بیش از حد از منابع، خدمات محلی و مکان های تفریحی	S-C ₂₂
۲/۳۸	۲/۵۰	۲/۴۲	۲/۳۶	ایجاد ناراحتی و عدم آرامش برای ساکنین	S-C ₂₃
۳/۱۳	۲/۸۵	۳/۲۸	۳/۱۵	نمایشی شدن زندگی مردم و آداب و رسوم سنتی	S-C ₂₄
۳/۳۶	۳/۲۵	۳/۰۰	۳/۴۰	اولویت داشتن گردشگری بر مردم و ساکنین اصیل بافت از نگاه متولیان	S-C ₂₅
۳/۰۷	۲/۶۵	۳/۲۸	۳/۰۹	تغییر الگوی جمعیتی (افزایش مهاجر و کاهش جمعیت بومی)	S-C ₂₆
۲/۸۳	۲/۶۵	۲/۷۸	۲/۸۵	شلوغی و ازدحام ناشی از حضور گردشگران در بافت	S-C ₂₇
۳/۲۹	۳/۲۰	۳/۵۷	۳/۲۸	نگاه فانتزی و موزه ای گردشگران به فرهنگ و زندگی ساکنین	S-C ₂₈

آنها از جمله دیگر اثرات منفی گردشگری است که توسط جامعه میزبان شناسایی شده است. انجام برخی مرمت های شتابزده و غیراصولی ($x = 3/26$) در بافت، ریختن زباله توسط گردشگران در هنگام بازدید از ابنیه تاریخی ($x = 3/19$) و نوشتن یادگاری بر جداره بناهای تاریخی و معابر بافت ($x = 3/06$) از جمله دیگر آسیب های شناسایی شده از جانب جامعه میزبان در محله فهادان می باشد. دخل و تصرف غیراصولی در ابنیه تاریخی به علت تغییر کاربری برخی از این بناها به خدمات گردشگری ($x = 2/88$)، تخریب آثار و اشیای تاریخی توسط گردشگران ($x = 2/92$)، تخریب بافت ($x = 2/79$)، دخل و تصرف غیر اصولی در شبکه معابر و جداره سازی گذرها ($x = 2/72$)، اعطای کاربری نامناسب به بناهای تاریخی ($x = 2/76$) و تغییر کاربری نامناسب فضاهای تجاری محله به خدمات تجاری گردشگری ($x = 2/84$)، آسیب ها و پیامدهای نامطلوب منتج از حضور گردشگران به شمار می آید که از نظر جامعه محلی چنین تأثیراتی بعضاً ناچیز و کم اهمیت می باشد. همچنین عملکرد گردشگری در اختلال در تأمین مایحتاج روزمره ساکنین محلی ($x = 2/52$)، کاهش دسترسی به خدمات محلی ($x = 2/44$) به جهت افزایش کاربری های مختص به گردشگران و کاهش دسترسی به مکان های تفریحی ($x = 2/18$) از سوی جامعه میزبان ضعیف ارزیابی شده است (جدول ۳).

د. ارزیابی کلی پیامدهای مطلوب و نامطلوب گردشگری

اگر چه بررسی پیامدهای مطلوب و نامطلوب گردشگری در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و محیطی، نشان می دهد، عملکرد گردشگری در جامعه مقصد به صورتی دوگانه

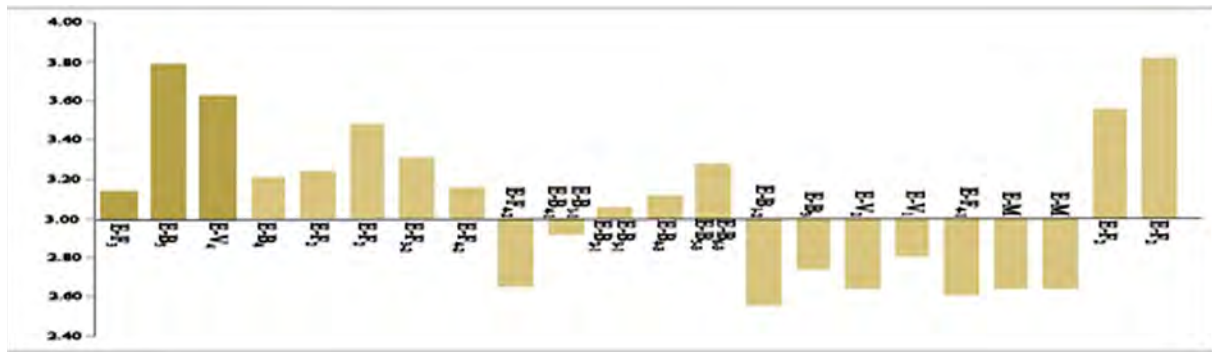
($x = 3/79$)، توجه به نظافت و پاکیزگی بافت ($x = 3/63$) و توسعه و ارتقای زیرساخت های شهری خصوصاً شبکه معابر و گذرها در بافت و خیابان های منتهی بدان ($x = 3/14$)، در زمره مهم ترین پیامدهای مثبت گردشگری در عرصه محیطی به شمار می آید. گردشگری، زمینه ساز بروز پاره ای پیامدهای نامطلوب و بعضاً آسیب های محیطی نیز بوده است. از جمله مهم ترین تأثیرات منفی درک شده گردشگری می توان به تشدید فرسایش ناخواسته بافت و ابنیه تاریخی ($x = 3/44$)، به واسطه حضور شمار زیاد بازدیدکنندگان در منطقه اشاره داشت. همچنین افزایش ترافیک و ازدحام و مختل شدن رفت و آمد سواره در سطح خیابان های شهری و مسیرهای منتهی به محله فهادان به ویژه در ایام اوج حضور گردشگران از دیگر مسائلی است که نه تنها زندگی روزمره ساکنین محلی را با اختلال مواجه کرده است، بلکه نارضایتی و رنجش گردشگران را نیز موجب شده است. ایجاد اغتشاش و آلودگی بصری ($x = 3/36$) در نتیجه نصب انواع تابلوها و بنرهای تبلیغاتی - گردشگری در جداره ها و معابر بافت نیز از جمله پیامدهای نامطلوب گردشگری به شمار می آید. از سوی دیگر، نمایشی بودن بافت و ابنیه تاریخی از دیدگاه گردشگران ($x = 3/36$) و نگاه موزه ای بازدیدکنندگان به بافت ($x = 3/36$)، به عنوان جاذبه ای تاریخی برای بازدید و عدم توجه به ماهیت اصیل و حقیقی محله به مثابه محیطی مسکونی برای زندگی ساکنین خود تأثیرات نامطلوب گردشگری را شامل می شود که وجه ماهوی بافت تاریخی را تهدید می کند. تغییر کاربری نامناسب برخی فضاهای جمعی و گره های جمعی محله به مکانی جهت پارک وسایل نقلیه گردشگران (به ویژه گردشگران داخلی) ($x = 3/35$) و از میان رفتن ماهیت عملکردی

کم و خیلی کم برآورد کرده و ۳۹/۳٪ نیز معتقد به عدم تأثیرگذاری مثبت گردشگری در بافت فهادان بوده اند. در خصوص سنجش میزان پیامدهای نامطلوب گردشگری نیز ۴۱/۹۵٪ از جمعیت جامعه محلی آسیب‌ها و تأثیرگذاری‌های منفی گردشگری را در سطح کم و خیلی کم، ۳۰/۵۱٪ در حد متوسط ارزیابی کرده اند. در این میان ۲۶/۶۱٪ از جامعه میزبان چنین پیامدهایی

بوده است، لیکن یافته‌های حاصل از پرسشنامه بیانگر تأکید جامعه میزبان بر تأثیرگذاری مثبت گردشگری در مقایسه با تأثیرات نامطلوب و منفی آن در جامعه مورد مطالعه می‌باشد. به گونه‌ای که ۶۹/۹۰٪ از افراد جامعه میزبان محاسن و مزایای گردشگری را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و تنها ۳/۳۸٪ از جمعیت مورد بررسی، پیامدهای مطلوب گردشگری را در سطح

جدول ۳- ارزیابی جامعه میزبان نسبت به پیامدهای محیطی گردشگری در بافت تاریخی فهادان.

میانگین جمعیت کل	میانگین کارشناسان	میانگین کسبه محلی	میانگین ساکنین محلی	پیامدهای محیطی متأثر از گردشگری	
۳/۱۴	۳/۹۵	۲/۶۴	۳/۰۹	توسعه و ارتقای زیر ساخت‌ها (شبکه معابر و گذرها)	E-F ₃
۳/۷۹	۳/۹۵	۳/۴۲	۳/۸۰	توجه بیشتر به بافت و ابنیه تاریخی (مرمت، احیاء...)	E-B ₅
۳/۶۳	۳/۹۰	۳/۲۱	۳/۶۳	پاکیزگی بافت	E-V ₄
۲/۷۹	۲/۶۵	۲/۸۵	۲/۸۰	افزایش تخریب بافت	E-B ₄
۲/۷۶	۳/۲۰	۲/۷۸	۲/۷۲	اعطاء کاربری نامناسب به ابنیه تاریخی	E-F ₂
۲/۵۲	۲/۳۵	۲/۷۱	۲/۵۲	اختلال در تأمین مایحتاج روزانه به علت افزایش کاربری گردشگری	E-F ₂
۲/۶۹	۲/۴۰	۲/۰۰	۲/۷۸	کمرنگ شدن ماهیت حقیقی محله و تبدیل شدن به جاذبه گردشگری	E-F ₃₋₂
۲/۸۴	۲/۸۵	۲/۵۰	۲/۸۶	تغییر کاربری نامناسب فضاهای تجاری به خدمات تجاری گردشگری	E-F ₄₋₂
۳/۳۵	۳/۱۵	۲/۸۵	۳/۴۱	تغییر نامناسب فضاهای محله به پارکینگ وسایل نقلیه گردشگران	E-F ₄₋₂
۳/۰۸	۲/۶۰	۳/۰۷	۳/۱۳	نوشتن یادگاری و خراشیدن پیکره ابنیه تاریخی	E-B ₁₋₁ , E-B ₄₋₁
۲/۹۴	۲/۵۰	۳/۲۱	۲/۹۶	تخریب اشیاء و آثار باارزش و تاریخی	E-B ₃₋₁ , E-B ₂₋₁
۲/۸۸	۲/۷۰	۳/۰۰	۲/۸۹	دخل و تصرف و تغییر غیر اصولی در ابنیه تاریخی	E-B ₄₋₃
۲/۷۲	۲/۵۵	۲/۷۱	۲/۷۳	دخل و تصرف غیر اصولی در معابر و جداره سازی	E-B ₃₋₃ , E-B ₆₋₃
۳/۴۴	۲/۶۵	۳/۵۷	۳/۵۱	تشدید فرسایش ناخواسته توسط بازدیدکنندگان	E-B ₁₋₂
۳/۲۶	۳/۳۵	۳/۱۴	۳/۲۶	مرمت‌های شتابزده	E-B ₃
۳/۳۶	۳/۰۰	۳/۷۸	۳/۳۶	ایجاد یا افزایش آلودگی بصری	E-V ₂
۳/۱۹	۳/۰۰	۳/۲۱	۳/۲۰	ایجاد یا افزایش آلودگی محیطی (تولید زباله)	E-V ₁
۳/۳۹	۳/۲۰	۳/۴۲	۳/۴۱	افزایش ترافیک بیش از حد و مختل شدن رفت و آمد سواره	E-F ₄₋₁
۳/۳۶	۳/۵۰	۳/۷۸	۳/۳۲	نمایشی شدن بافت و ابنیه تاریخی برای گردشگران	E-M
۳/۳۶	۳/۲۵	۳/۴۲	۳/۳۷	ایجاد نگاه موزه‌ای به بافت	E-M
۲/۴۴	۲/۰۰	۲/۷۱	۲/۴۶	کاهش دسترسی ساکنین به امکانات خدماتی در محله	E-F ₂
۲/۱۸	۱/۷۰	۲/۶۴	۲/۱۹	کاهش دسترسی ساکنین به مکان‌های تفریحی	E-F ₂



نمودار ۳- وضعیت ارزیابی پیامدهای محیطی گردشگری در بافت تاریخی فهادان. پیامدهایی که پایین تر از خط نرمال (میانگین ۳) قرار دارند وضعیت نامطلوب (منفی) دارند. پیامدهای مطلوب اجتماعی فرهنگی گردشگری

آن است که در مجموع بیش از ۶۸٪ از افراد جامعه میزبان آینده بافت تاریخی فهادان را با توجه به تداوم و توسعه گردشگری در منطقه مثبت و در جهت پیشرفت ارزیابی کرده‌اند و صرفاً ۹/۳۲٪ از جمعیت محلی آینده مطلوب و خوشایندی برای بافت با توجه به گسترش حضور گردشگران در منطقه متصور نشده‌اند. نتایج ارزیابی صورت گرفته از نگرش جامعه میزبان نسبت به آینده بافت تاریخی با توجه گروه‌های سه گانه اجتماعی ساکنین محلی $x = 3/65$ ، کسبه محلی $x = 4/00$ و کارشناسان $x = 3/45$ نشان از ارزیابی مثبت آنان نسبت به این موضوع دارد.

یافته‌های تحلیلی

یافته‌های پژوهش از یک سو نشان از رضایتمندی جامعه میزبان از حضور گردشگران در محیط سکونت خود دارد، و از سوی دیگر، تأثیرگذاری مثبت گردشگری در محله فهادان را نسبت به مجموعه پیامدهای منفی متأثر از آن مورد تأیید قرار می‌دهد. در این راستا آزمون پیرسون، وجود همبستگی معنی دار مثبت میان قضاوت و نگرش مثبت جامعه میزبان از گردشگری و تأثیرگذاری‌های مطلوب آن را تأیید می‌کند ($p > 0/01$)، چنین وضعیتی، بیانگر این واقعیت است که پیامدهای مثبت گردشگری در منطقه فهادان، یکی از عوامل بنیادین و مهم در نگرش مثبت جامعه نسبت به گردشگری می‌باشد. همچنین نتایج به دست آمده از پژوهش بیانگر حمایت جامعه میزبان از تداوم و توسعه گردشگری در منطقه است. بر این مبنا، آزمون پیرسون وجود همبستگی معنی دار مثبت میان حمایت جامعه محلی از گردشگری و ارزیابی مثبت آنان از مجموعه پیامدهای متأثر از حضور گردشگران را تأیید می‌کند ($p = 0/36$ ، $p > 0/01$). از سوی دیگر، میان حمایت جامعه میزبان از تداوم و گسترش حضور گردشگران در محله فهادان و آسیب‌ها و تأثیرگذاری‌های منفی گردشگری در این منطقه رابطه‌ای معکوس وجود دارد ($p = -0/44$). بدین معنا که هر چه پیامدهای منفی گردشگری در محله در سطح پایین تری قرار داشته باشد، میزان حمایت جامعه میزبان از تداوم و توسعه گردشگری بیشتر خواهد بود. نتایج به دست آمده، بیانگر عدم وجود تفاوت معنی دار در نگرش سه گروه ساکنین محلی، کارشناسان و صاحب‌نظران

را در سطح زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند و ۵/۹۳٪ نیز بر این باور هستند که گردشگری در جامعه مورد مطالعه تأثیرات منفی بر جای نگذاشته است. همچنین یافته‌های پژوهش، بیانگر عدم وجود تفاوت معنی دار در ارزیابی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و محیطی گردشگری در میان گروه‌های سه گانه مورد مطالعه می‌باشد آزمون کروسکال والیس تفاوت معنی دار بین گروه‌های مختلف جامعه محلی را در خصوص پیامدهای محیطی گردشگری تأیید نمی‌کند ($p = 0/340$).

ه. نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری

سنجش نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری با استناد بر مؤلفه‌های مطرح شده در شاخص رنجش داکسی صورت گرفته است. بر اساس شاخص مذکور، قضاوت جامعه میزبان نسبت به گردشگری، با ازدیاد شمار بازدیدکنندگان در جامعه مقصد طیفی از خشنودی، بی تفاوتی، رنجش و خصومت را در بر می‌گیرد. بر این مبنا ۷۴/۵۸٪ از جمعیت مورد مطالعه از حضور گردشگران در محیط سکونت خود ابراز خشنودی و رضایت، ۱۸/۶۴٪ ابراز بی تفاوتی و ۵/۹۳٪ ابراز رنجش کرده‌اند و تنها ۰/۸۵٪ رویکردی خصمانه نسبت به جریان گردشگری در محیط سکونت خود داشته‌اند. همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش بیانگر نگرش مثبت و حمایت جامعه میزبان از تداوم گردشگری و توسعه آن در بافت تاریخی فهادان می‌باشد. به گونه‌ای که میزان حمایت ۶۱/۸۷٪ جامعه میزبان از حضور گردشگران در منطقه مورد مطالعه در سطح بالا ارزیابی شده است و صرفاً حمایت ۴/۶۶٪ از جمعیت محلی نسبت به توسعه گردشگری در سطح بسیار کم می‌باشد.

و. عوامل مؤثر بر نحوه نگرش جامعه میزبان

ارزیابی میزان وابستگی محله فهادان به گردشگری و تأثیرپذیری مثبت از حضور گردشگران در منطقه از دیدگاه جامعه میزبان نشان می‌دهد که از نظر بیش از ۵۴٪ از جمعیت محلی منطقه فهادان به گردشگری و فعالیت‌های مرتبط بدان وابستگی زیادی دارد. در این راستا صرفاً ۵/۹۳٪ از جمعیت مورد مطالعه وابستگی منطقه به گردشگری را در سطح پایین ارزیابی کرده‌اند. همچنین یافته‌های حاصل از بررسی‌های انجام شده بیانگر

پیامدهای منفی گردشگری در عرصه اقتصاد (ورود افراد سودجو و ایجاد مشاغل کاذب) و ارتباط ضعیف پیامد مذکور با جریان سکونت در جامعه محلی و نظام معیشتی ساکنین (تأمین خوراک، پوشاک و...) و همچنین عملکرد ضعیف گردشگری دربروز پیامدهایی همچون افزایش هزینه‌های زندگی، ایجاد تورم ($x=1/29$) و اختلال در تأمین نیازهای روزمره ($x=2/5$) از یک سوی و تأثیرات مثبت گردشگری در ورود سرمایه به بافت و اشتغال زایی و...، لذا نقش گردشگری در ایجاد اختلال در نظام معیشت ساکنین محلی بسیار ضعیف ارزیابی می‌شود. نیاز به سرپناه و مکان سکونت از جمله دیگر نیازهای فیزیولوژیکی است. بافت تاریخی فهادان، در مقیاس کلان محیط سکونت ساکنین محلی را شامل می‌شود. لذا هر گونه آسیب به بافت تاریخی در حقیقت تهدیدی برای محل سکونت ساکنین محلی به شمار می‌آید. در نتیجه به نظر می‌آید آسیب به بافت تاریخی، مهم ترین پیامد منفی گردشگری از جانب ساکنین محلی محسوب شود. در خصوص نیازهای امنیتی، گردشگری نه تنها مانعی در مسیر تأمین و ارضای این دسته از نیازها در منطقه نبوده بلکه تا حد زیادی زمینه افزایش سطح امنیت عمومی در محله ($x=3/40$) را نیز فراهم نموده است. افزایش ترافیک و ازدحام بیش از حد و مختل شدن رفت و آمد سواره و همچنین تغییر کاربری نامناسب فضاهای محله به مکان توقف وسایل نقلیه بازدیدکنندگان از جمله پیامدهای نامطلوب گردشگری در محله فهادان به شمار می‌آید که موجب اختلال در نظم و ثبات محله شده است. لذا به نظر می‌رسد چنین آسیبی می‌بایست در درجه بعدی اهمیت از سوی جمعیت محلی ارزش گذاری شود. در زمینه نیازهای اجتماعی مبنی بر احساس تعلق و دوست داشتن، با توجه به ارزیابی ساکنین محلی گردشگری در تقویت حس مهمان نوازی در میان جمعیت محلی ($x=3/73$) و همچنین افزایش حس تعلق و دلبستگی افراد ($x=3/23$)، تقویت حس همبستگی ($x=3/43$) تأثیرات مثبتی را بر جای گذارده است بر این مبنا، گردشگری در ایجاد اختلال در تأمین نیازهای فوق در منطقه فهادان تأثیری نداشته است. در خصوص نیاز به احترام و عزت نفس، با توجه به تأثیرگذاری های منفی گردشگری در حوزه فرهنگ و آداب و رسوم سنتی و همچنین اذعان جامعه محلی به نگاه نمایشی و موزه‌ای گردشگران به فرهنگ و زندگی ساکنین و بافت و ابنیه تاریخی پیش بینی می‌شود تأثیرگذاری های منفی ماهوی در ارزیابی صورت گرفته توسط ساکنین محلی در رده پایین اهمیت طبقه بندی شود. با استناد بر آنچه ذکر آن رفت، می‌توان اولویت بندی تأثیرات منفی گردشگری را با توجه به نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو در محله تاریخی فهادان به این ترتیب رده بندی نمود. الف) آسیب به بافت تاریخی به عنوان محیط سکونت ساکنین، ب) اختلال در نظام عملکردی بافت با توجه به برهم زدن ثبات و نظم محله، ج) تأثیرات منفی فرهنگی اجتماعی و د) تأثیرات منفی ماهوی. مقایسه دسته بندی به دست آمده با استناد بر نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو در عرصه گردشگری و ارزیابی

حوزه میراث فرهنگی و کسبه محلی نسبت به گردشگری و میزان حمایت آنان از تداوم و گسترش حضور گردشگران در محله فهادان می‌باشد ($p=0/796$). صاحب نظران و کارشناسان حوزه میراث فرهنگی، تداوم و توسعه گردشگری در بافت تاریخی فهادان را عاملی مثبت در جهت حفاظت و صیانت از بافت و ابنیه تاریخی که سرمایه های گردشگری فرهنگی می‌باشند، به حساب می‌آورند. از سوی دیگر، حفاظت و نگهداری از بافت تاریخی که محیط سکونت ساکنین محلی را شامل می‌شود و توسعه بخش های تفریحی و رونق اقتصاد محله از طریق توسعه بخش های خدماتی-تجاری با توجه به تقاضای گردشگران، موجب رضایتمندی و حمایت ساکنین و به ویژه کسبه محلی از حضور گردشگران در منطقه فهادان شده است. لذا با استناد بر تئوری مبادله اجتماعی و رویکرد طبقه بندی و با توجه به انتفاع سه گروه مختلف اجتماعی شامل کارشناسان و صاحب نظران حوزه میراث فرهنگی، ساکنین و کسبه محلی از گردشگری در منطقه مورد مطالعه، نگرش مثبت و حمایت آنان از تداوم و گسترش حضور گردشگران در محله فهادان روشن و بدیهی به نظر می‌رسد. با استناد بر ارزیابی پیامدهای نامطلوب گردشگری با توجه به شدت و گستردگی آن پیامد در ربط با گردشگری، تأثیرات نامطلوب گردشگری از دیدگاه ساکنین محلی به ترتیب الف) تأثیرات منفی اقتصادی (ورود افراد سودجو و ایجاد مشاغل کاذب)، ب) آسیب به بافت و ابنیه تاریخی، ج) اختلال در نظام عملکردی بافت، د) تأثیرات منفی ماهوی و ه) تأثیرات منفی فرهنگی-اجتماعی می‌باشد. لیکن یافته های حاصل از پژوهش بیانگر آن است که اهمیت پیامدهای نامطلوب مذکور از نظر ساکنین محلی به گونه ای متفاوت از ارزیابی شدت آن پیامد در ارتباط با گردشگری می‌باشد. پیامدهای منفی گردشگری که از جانب ساکنین محلی در اولویت قرار دارند، مشتمل بر الف) آسیب به بافت و ابنیه تاریخی، ب) پیامدهای نامطلوب فرهنگی-اجتماعی، ج) تأثیر گذاری های منفی ماهوی، د) اختلال در روند زندگی روزانه ساکنین و ه) تأثیرات منفی اقتصادی است. چنین اختلافی بیانگر وجود نظام ارزش گذاری متفاوتی در اولویت بندی تأثیرات منفی گردشگری از جانب ساکنین محلی است. با استناد به نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو، پیش بینی می‌شود پیامدهای نامطلوب گردشگری با توجه به میزان اختلال موجب شده در سلسله مراتب نیازهای انسانی از سوی ساکنین محلی مورد ارزیابی قرار گیرند. بنابراین در حالت کلی و بدون در نظر گرفتن شرایط جامعه مورد مطالعه، در صورت تأثیرگذاری گردشگری در کلیه عرصه های مذکور، اولویت پیامدهای منفی گردشگری با توجه به نظریه مذکور عبارت از الف) تأثیرات منفی اقتصادی در صورتی که موجب اختلال در نظام معیشت ساکنین باشد، ب) آسیب به بافت تاریخی به عنوان محیط سکونت ساکنین، ج) اختلال در نظام عملکردی بافت با توجه به برهم زدن ثبات و نظم محله، د) تأثیرات منفی فرهنگی اجتماعی و ه) تأثیرات منفی ماهوی می‌باشد. با توجه به نوع تأثیرگذاری

جامعه میزبان در سطحی از شعور، آگاهی و حساسیت قرار دارد که آسیب‌های ماهوی و فرهنگی-اجتماعی را نسبت به اختلال در روند زندگی روزمره خود در اولویت اهمیت قرار داده است.

صورت گرفته از ساکنین محلی دریافت تاریخی فهادان، نشان از عدم تطابق در اولویت بندی مفروض و نتایج به دست آمده از سنجش نگرش جمعیت محلی دارد (جدول ۴). به نظر می‌رسد

جدول ۴- ارزیابی پیامدهای نامطلوب گردشگری با استناد به قضاوت جامعه میزبان و نظریه نیازهای انسانی مازلو.

ارزیابی مجموعه پیامدهای منفی گردشگری با استناد به نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو در منطقه فهادان	ارزیابی مجموعه پیامدهای منفی گردشگری از جانب ساکنین محلی در منطقه فهادان
آسیب به بافت و ابنیه تاریخی	آسیب به بافت و ابنیه تاریخی
اختلال در روند زندگی روزانه ساکنین و نظام عملکردی بافت	تأثیرات منفی فرهنگی اجتماعی
تأثیرات منفی فرهنگی-اجتماعی	تأثیرات منفی ماهوی
تأثیرات منفی ماهوی	اختلال در روند زندگی روزانه ساکنین و نظام عملکردی بافت

نتیجه

جامعه محلی نسبت به گردشگری و توسعه آن در منطقه فهادان بر اساس قضاوت و ارزیابی آنان از مجموعه تأثیرات مطلوب (مثبت) و نامطلوب (منفی) درک شده در ابعاد گوناگون محیطی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی در منطقه شکل گرفته است که چنین وضعیتی مطابق چارچوب‌های تبیین شده در تئوری مبادله اجتماعی است. بر این مبنا، فرضیه نخست پژوهش مبنی بر ارتباط مستقیم نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و ارزیابی آنان از مجموعه پیامدهای منفی و مثبت گردشگری تأیید می‌شود. عدم وجود تفاوت معنی دار در نگرش گروه‌های سه گانه اجتماعی نسبت به گردشگری و حمایت از آن به جهت انتفاع هر یک از گروه‌های مذکور از حضور گردشگران در بافت تاریخی نیز با استناد به رویکرد طبقه بندی قابل تحلیل می‌باشد. از سوی دیگر، با استناد بر مطالب ارائه شده در بخش چارچوب‌های نظری مقاله، مشخص می‌شود که ارزش گذاری آسیب‌ها و پیامدهای منفی گردشگری از نگاه جامعه میزبان با مؤلفه‌های مطرح شده در تئوری سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو مبنی بر اهمیت یافتن تأثیرات منفی با توجه به میزان اختلال آنها در تأمین نیازهای انسانی مطابقت ندارد و در جامعه مورد مطالعه ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و مسائل هویتی به ویژه در سطح اجتماعی نسبت به برخی مشکلات و نابسامانی‌های ایجاد شده در روند زندگی روزانه ساکنین در اولویت قرار دارد. بر این مبنا فرضیه دوم تحقیق و انطباق جامعه مورد مطالعه با مؤلفه‌های مطرح شده در تئوری مازلو رد می‌شود. با توجه به ارزش گذاری تأثیرات نامطلوب گردشگری از سوی جامعه میزبان و نگرانی‌های جامعه از آینده بافت تاریخی، به نظر می‌رسد در کنار توجه به ابعاد و جوه کالبدی بافت تاریخی، توجه به ماهیت حقیقی و اصیل بافت به عنوان محیطی مسکونی و ویژگی‌های حقیقی فرهنگ و آداب و رسوم سنتی می‌بایست در مرکز توجه مسئولین و متولیان امر قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که گردشگری در محله فهادان در بعد اجتماعی در وضعیت پایداری قرار دارد. حضور گردشگران در منطقه مورد بررسی، پیامدهای متعددی را در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی در پی داشته است به گونه‌ای که عملکرد گردشگری در عرصه‌های سه گانه مذکور، متفاوت و بعضاً متناقض بوده است؛ اگرچه نتایج نشان از شدت بیشتر تأثیرگذاری‌های مثبت گردشگری در مقایسه با پیامدهای نامطلوب آن از دیدگاه جامعه میزبان دارد. مهم‌ترین پیامدهای مطلوب گردشگری از دیدگاه جامعه میزبان از یک سو و مهم‌ترین عامل حمایت جامعه محلی از گسترش شمار بازدیدکنندگان در منطقه از سوی دیگر شامل حفاظت از بافت و ابنیه تاریخی، توسعه اقتصادی محله و ارتقای جایگاه بافت تاریخی فهادان در شهر می‌باشد. حوزه مسائل محیطی، عرصه‌ای است که بیشترین پیامدهای نامطلوب گردشگری را به خود دیده است به گونه‌ای که وضعیت حدود ۴۵٪ از پیامدهای شناسایی شده در این عرصه از جانب جامعه محلی نامطلوب ارزیابی شده است. تأثیرات منفی گردشگری در این عرصه، ابعاد گوناگون بصری، عملکردی، کالبدی، معنایی و ماهوی را شامل می‌شود. بیشترین نگرانی ساکنین از آینده بافت در ربط با مقوله گردشگری در خصوص آسیب‌های ماهوی (کالایی) شدن فرهنگ و آداب و رسوم محلی و نمایشی بودن بافت و زندگی ساکنین در نگاه بازدیدکنندگان) می‌باشد همچنین توجه بیش از حد به بعد گردشگری بافت تاریخی در مقایسه با ماهیت اصلی آن به عنوان محیطی مسکونی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های متولیان امر از جمله دیگر نگرانی‌های جامعه محلی از آینده بافت تاریخی در راستای توسعه گردشگری محسوب می‌شود.

نتایج سنجش نگرش جامعه میزبان نسبت به گردشگری و ارزیابی آنان از پیامدهای موجود نشان می‌دهد که قضاوت

سپاسگزاری

شایسته است از همفکری و رهنمودهای پژوهشگر دکتری مرمت، جناب آقای محسن عباسی هرفته، همکاری مهندس علی جدیدی در تکمیل اطلاعات و پرسشنامه‌ها و کارشناسی آقای پرویز مقتدر در حوزه محاسبات آماری پژوهش سپاسگزاری شود.

پی‌نوشت‌ها

A Structural Modeling Approach, *Annals of Tourism Research*, 29 (1), 79 – 105.

H. Akkawi, Mais (2010), *Resident Attitudes toward Tourism Development in Conservative Cultures: case of Qatar*, University of Waterloo, Ontario, Canada.

Haralambopolos, Nicholas and A. Pizam (1996), Perceived Impacts of Tourism the Case of Samos, *Annals of Tourism Research*, 23, 501 – 521.

Isaksson, R. & Garvare, R. (2003), Measuring Sustainable Development Using Process Models, *Managerial Auditing Journal*, 18 (8), 649 – 656.

Jackson, G. (2006), Developing Regional Tourism in China: The Potential for Activating Business Clusters in a Socialist Market Economy, *Tourism Management*, 27 (4), 695 – 706.

Jurowski, C., Uysal, M., & Williams, D. R. (1997), A Theoretical Analysis of Host Community Resident Reactions to Tourism, *Journal of Travel Research*, 36(2), 3 – 11.

Kim, kyungmi (2002), *the Effects of Tourism Impacts Upon Quality of Life of Residents in the Community*, Virginia Polytechnic Institute and State University, Blacksburg, VA.

Lankford, S. V., & Howard, D. R. (1994), Developing a Tourism Impact Attitude Scale, *Annals of Tourism Research*, 21 (1), 121 – 139.

Lawson, R. W., J. Williams, T. Young, and J. Cossens (1998), A Comparison of Residents' Attitudes towards Tourism in 10 Newzealand Destinations, *Tourism Management*, 19(3).

Lindberg, K. & Johnson, R. L. (1997), Modeling Resident Attitudes toward Tourism, *Annals of Tourism Research*, 14, 17 – 37.

Liu, J. C., Sheldon, P. and Var, T. (1986), Resident Attitudes toward Tourism Impacts in Hawaii, *Annals of Tourism Research*, 13, 193–214.

Martin, B. S. and Uysal, M. (1990), An Examination of the Relationship Between Carrying Capacity and the Tourism Lifecycle: Management and Policy Implications, *Journal of Environmental Management*, 31, 327 – 333.

Mc Cool, S. F., Moisey, R. N. (2001), *Tourism, recreation and Sustainability: Linking Culture and the Environment*, CABI Publications, New York P. E.

MC Dougall, G. H. G. & Munro, H. (1994), Scales and Attitude Measurement in Tourism and Travel Research, In: J. R. B. Ritchie & C. R. Goeldner (eds.), *Travel, Tourism and Hospitality Research*, 87 – 100.

McGehee, N. G., and Andereck, K. L. (2004), Factors Predicting Rural Residents, Support of Tourism, *Journal of Travel Research*, 43, 131 – 140.

O` Reilly, A. M. (1986), Tourism Carrying Capacity: Concepts and Issues, *Tourism Management*, 7 (4), 254–258.

O'Brien, Erin Lindsey. (2007), *Carrying Capacity for Sustainable Tourism Development*, University of Victoria, Torino, British Columbia, Canada.

Perdue, R. R., Long, P. T., & Allen, L. (1987), Rural Resident Tourism perception and Attitudes, *Annals of Tourism Research*, 14, 420 – 429.

Perdue, R. R., Long, P. T., Allen, L. (1990), Resident Support for Tourism Development, *Annals of Tourism Research*, 17, 586 – 599.

Sheldon, P., & Var, T. (1984), Residents Attitudes to Tourism in North Wales, *Tourism Management*, 5 (1), 40–47.

Yoon, Y. (1998), *Determinants of Urban Residents, Perceived Tourism Impacts*, A Study of The Williams Burg and Virginia Beach Areas, Unpublished Master These, Virginia Polytechnic Institute and State University, Blacksburg, VA.

1 Grounded Theory.

2 Related Case.

3 Tourism Impact Assessment Scale.

4 Index For Tourism Impacts.

5 Likret Scale.

6 Doxy`S Irridex Model.

فهرست منابع

رهنمایی، محمد تقی. فرهودی، رحمت ا... دیتمان، آندریاس و قدمی، مصطفی (۱۳۸۷)، بررسی ظرفیت تحمل حوزه مقصد گردشگری با تأکید بر جامعه میزبان: نمونه موردی کلاردشت، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶، صص ۳۳-۱۷.

شولتز، دوان (۱۳۸۹)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، محمد رضا نیکخواه، نشر ارسباران، تهران.

Allen, L., H. Hafer, R. Long, and R. Perdue (1993), Rural Residents Attitudes toward Recreation and Tourism Development, *Journal of Travel Research*, 31 (4), 27 – 33.

Andereck, K. L., Valentine, K. M., Knopf, R. C., Vogt, C. A (2005), Residents perception of Community Tourism Impacts, *Annals of Tourism Research*, 32 (4), 1056 – 1076.

Andereck, K., and C. Vogt (2000), The Relationship Between Residents Attitudes toward Tourism and Tourism Development Options, *Journal of Travel Research*, 39, 27 – 36.

Andriotis, K. & Vaughan, R. D. (2003), Urban Residents Attitudes toward Tourism Development: The Case of Crete, *Journal of Travel Research*, 42, 172 – 185.

AP, J. (1990), Residents Perceptions, Research on the Social Impacts of Tourism, *Annals of Tourism Research*, 17, 610 – 616.

Ap, J., & Crompton, J. (1998), Developing and Testing a Tourism Impact Scale, *Journal of Travel Research*, 32 (2), 720 – 730.

Ap, J. (1992), Residents Perceptions on Tourism Impacts, *Annals of Tourism Research*, 19, 665 – 695.

Beeton, Sue (2006), *Community Development through Tourism*, Australia Land links Press.

Carmichael, B. A. (2000), a Matrix Model for Resident Attitudes and Behaviors in a Rapidly Changing Tourist Area, *Tourism Management*, 21 (6), 601 – 611.

Chen, C. F. & Chen, F. S. (2010), Experience Quality, Perceived Value, Satisfaction and Behavioral Intentions for Heritage Tourists, *Tourism Management*, 31(1), 29 – 35.

Eccles, G., and Costa, J. (1996), Perspectives on Tourism Development, *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 44 – 51.

Firoy, W. Man Mind and Land (1960), *a Theory of Resource Use*, Free Press, Glencoe, IL.

Gursoy, D., & Rutherford, D. (2004), Host Attitudes toward Tourism: An Improved Structural Model, *Annals of Tourism Research*, 31 (3), 495 – 516.

Gursoy, D., Jorowski, C., & Uysal, M. (2002), Resident Attitudes: A Structural Modeling Approach, *Annals of Tourism Research*, 29 (1), 79 – 105.

Gursoy, D., Jorowski, C., & Uysal, M. (2002), Resident Attitudes: